ای ياران جانی عبدالبهاء شرق معطّر نما غرب منوّر نما…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٢١٨

ای ياران جانی عبدالبهاء
 شرق معطّر نما غرب منوّر نما نور ببلغار ده روح بسقلاب بخش

اين بيت يکسال بعد از صعود از فم ميثاق صادر و ناقضان استغراب مينمودند و استهزا ميکردند ولی الحمد للّه آثارش باهر و قوّتش ظاهر و برهانش واضح گشت المنّة للّه شرق و غرب در اهتزاز است و از نفحات قدس جميع اقطار مشکبار.

جمال مبارک بنصّ صريح در کتاب وعده فرمودند و نراکم من افقی الأبهی و ننصر من قام علی نصرة امری بجنودٍ من الملأ الأعلی و قبيلٍ من الملائکة المقرّبين نويد نمودند

الحمد للّه اين نصرت و تأييد مشهود و پديد و در قطب عالم مانند آفتاب بدرخشيد.

پس ای ياران الهی جهدی بليغ نمائيد و سعی شديد کنيد تا موفّق بعبوديّت جمال قديم و نور مبين گرديد و سبب انتشار انوار شمس حقيقت شويد جسم قديد قديم امکانرا روحی جديد بدميد ومزرعه آفاق را تخم پاکی بيفشانيد بر نصرت امر قيام نمائيد و لسان تبليغ بگشائيد انجمن عالم را شمع هدی گرديد و افق امکانرا نجوم نورا شويد حدائق توحيد را طيور رحمانی شويد و گلبانگ حقائق و معانی زنيد.

انفاس حيات را صرف امری عظيم کنيد و مدّت زندگانيرا حصر در خدمت نور مبين نمائيد تا عاقبت گنج روان ملکوتی بدست آريد و از زيان و خسران برهيد زيرا حيات بشر جميع در خطر اطمئنان بقا در دقيقه نه با وجود اين اقوام مانند سراب اوهام در موجند و گمان اوج دارند هيهات هيهات قرون اولی نيز چنين گمان مينمودند تا آنکه بموجی از امواج بتراب پنهان شدند و بخسران و زيان افتادند مگر نفوسی که فانی محض شدند و درسبيل الهی بجانفشانی بر خواستند کوکب نورانی آنان از افق عزّت قديمه درخشيد و آثار قرون و اعصار برهان اين گفتار.

پس شب و روز آرام نگيريد و راحت نجوئيد راز عبوديّت گوئيد و راه خدمت پوئيد تا بتأييد موعود از ملکوت احديّت موفّق گرديد .

ای ياران افق عالم را سحاب تيره احاطه نموده و ظلمات عداوت و بغضا و جور و جفا و ذلّت کبری انتشار يافته جميع خلق در غفلت عظمی و خونخواری و درندگی اعظم مناقب برايا حضرت کبريا از بين جمهور بشر يارانرا انتخاب فرموده و بهدايت کبری و موهبت عظمی تخصيص داده تا آنکه ما کلّ بجان و دل بکوشيم جانفشانی نمائيم و بهدايت خلق پردازيم و نفوس را تربيت کنيم تا درندگان غزالان برّ وحدت شوند و گرگان اغنام الهی گردند و خونخواران ملائکهء آسمانی شوند نار عدوان خاموش گردد و شعله وادی ايمن بقعه مبارکه روشنائی بخشد رائحه گلخن جفا متلاشی شود و نفحات گلشن وفا انتشار کلّی يابد عقول ضعيفه استفاضه از عقل کلّی الهی نمايد و نفوس خبيثه انفاس طيّبه طاهره جويد.

اين موهبت را مظاهری و اين مزرعه را دهقانی و اين باغ را باغبانی و اين دريا را ماهيانی و اين سما را کواکبی نورانی و اين عليلان را طبيبانی روحانی و اين گمگشتگانرا رهبرانی مهربان لازم تا بی‌نصيبانرا نصيب دهند و محرومانرا بهره بخشند و مستمندانرا گنج روان گردند و طالبانرا قوّت برهان بنمايند .

اللّهمّ انّی اتضرّع يا مغيثی و اتذلّل يا مجيری و اتوجّع يا طبيبی و اناجيک بلسانی و روحی و جنانی و اقول :

الهی الهی قد احاطت اللّيلة الدّلماء کلّ الأرجاء و غطت سحاب الاحتجاب کلّ الآفاق و استغرقوا الانام فی ظلام الأوهام و خاض الظّلام فی غمار الجور و العدوان ما أری الّا وميض النّار الحامية المتسعّرة من الهاوية و ما اسمع الّا صوت الرعود المدمدم من الآلات الملتهبة الطّاغية النّاريّة و کلّ اقليم ينادی بلسان الخافية ما اغنی عنّی ماليه هلک عنّی سلطانيه.

قد خبت يا الهی مصابيح الهدی و تسعّرت نار الجوی و شاعت العداوة و البغضاء و ذاعت الضّغينة و الشّحناء علی وجه الغبرا فما اری الّا حزبک المظلوم ينادی باعلی النّداء.

حیّ علی الولاء حیّ علی الوفا حیّ علی العطا حیّ علی الهدی

حیّ علی الوفاق حیّ علی مشاهدة نور الآفاق حیّ علی الحبّ و الفلاح حیّ علی الصّلح و الصّلاح حیّ علی نزع السّلاح حیّ علی الأتّحاد و النّجاح حیّ علی التّعاضد و التّعاون فی سبيل الرّشاد.

فهؤ لاء المظلومون يفدون کلّ الخلق بالنّفوس و الأرواح فی کلّ قطرٍ بکلّ سرور و انشراح تراهم يا الهی يبکون لبکاء خلقلک و يحزنون لحزن بريّتک و يتراءفون بکلّ الوری و يتوجّعون لمصائب اهل الثّری.

ربّ انبت اباهر الفلاح فی جناحهم حتّی يطيروا الی اوج نجاحهم و اشدد ازورهم فی خدمة خلقک و قوّ ظهورهم فی عبوديّة عتبة قدسک انّک انت الکريم انّک انت الرّحيم لا اله الّا انت الرّحمن الروف القديم \*